

غزل شماره ۴۵۹

زین خوش رقم که بر گل رخسار می کشی
خط بر صحیفه گل و گلزار می کشی

اشک حرم نشین نهادن مرا
زان سوی هفت پرده به بازار می کشی

کابل روی چو باد صبارا به بوی زلف
هر دم به قید سلسله در کار می کشی

هردم به یاد آن لب میگون و چشم مست
از خلوتم به خانه خاری کشتی

گفتی سر توبه قراک ما شود
سهل است اگر تو زحمت این باری کشتی

با چشم و ابروی تو چه تدبیر دل کنم؟
وہ زین کمان کہ بر من پیاری کشتی

باز آکہ چشم بد ز رخت دفع می کند
ای تازه گل کہ دامن از این خاری کشتی

حافظ دگر چه می طلبی از نعیم دهر

می می خوری و طره دلدار می کشی

تفسیر فال

مطمئن باش که هر خوبی و نیکی که انجام می‌دهی، بی‌پاداش نمی‌ماند و به نوعی برکت به زندگی‌ات بازمی‌گردد. هر غصه و دعایی که در دل دلتنگت داری، هر اشکی که به خاطر مشکلات می‌ریزی، تا عرش الهی و هفت آسمان بالا می‌رود و در محضر خداوند قرار می‌گیرد. اگرچه ممکن است در این لحظات سخت احساس کنی که تدبیری برای چاره‌ی کار خود نداری و ناچار شده‌ای فقط از خداوند بخواهی تا دل بیمار تو را التیام بخشد، اما بدان که خواسته‌هایت شنیده خواهد شد. با ایمان به قدرت الهی، به آنچه می‌خواهی خواهی رسید؛ طوری که هر چیزی را که لمس کنی، همچون طلا ارزشمند و پررنگ خواهد شد. این وعده‌ای است از جانب خالق هستی برای بندگان صابرش.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)